

کتاب‌فروشی (۳) پایة دوازدهم

محمد کریمی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

کوروش قنبری

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

چکیده

زبان و ادبیات هر ملتی، هویت آن ملت است. زبان فارسی پشتوانه ملی و فرهنگی و معرف تاریخ پرفراز و نشیب ایران است. این زبان در طول تاریخ در برابر ناملایمات از خود مقاومت‌ها نشان داده است. هویت‌بخشی از مدارس و با کمک کتاب‌های درسی آغاز می‌شود. بنابراین، آموزش و آشنا کردن نسل جوان با آن اهمیت بسیاری دارد و این وظیفه سنگین برعهده معلمان و کتاب‌های درسی است. کتاب‌های درسی یکی از پرمخاطب‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل موجود در هدایت و راهبردی جوامع‌اند.

نگارندگان این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی بر آن‌اند که اشکالات کتاب درسی پایة دوازدهم را از جنبه‌های مختلف و در حیطه قلمروهای زبانی، فکری، و ادبی، بررسی نمایند.

آن‌ان تلاش کرده‌اند با ارائه پیشنهادهایی به طراحان و نویسندگان کتب درسی به پیشبرد جامعه به سوی اهداف متعالی کمک کنند و دین خود را به این زبان ارجمند ادا نمایند.

کلیدواژه‌ها: ادبیات فارسی، پایة دوازدهم،

دستور زبان

مقدمه

ای دو جهان از قلمت یک رقم

بی‌رقمت لوح دو عالم، عدم

در کف من مشعل توفیق نه
ره به نهان‌خانه تحقیق ده

شمع زبانم سخن افروز ساز
شام من از صبح سخن، روز ساز

(علامه همایی: ۱۳۳۹)

زبان و ادبیات هر ملتی هویت آن ملت است. بنابراین آموزش و آشنا کردن نسل جوان با آن اهمیت بسیاری دارد. در مقام اهمیت زبان چه از این مهم‌تر، که اگر انسان از زبان بی‌بهره بود، نمی‌توانست فکر کند، علمی را به دست آورد و فکر و علم خود را به دیگران منتقل سازد.

در میان همه زبان‌ها، به جرئت می‌توان گفت که زبان فارسی یکی از ارجمندترین و ارزشمندترین زبان‌هاست.

از زمان‌های خیلی دور تاکنون آثار مکتوب بسیار گران‌قدری (اسطوره‌ای، عرفانی، غنایی، تاریخی، مذهبی، و ...) به این زبان نوشته شده است. مهم‌ترین شاکله هویت فرهنگ ما ایرانیان، زبان و ادبیات فارسی است که با پیشینه هزار و چندساله‌اش میراث معنوی همه اقوام ایرانی به شمار می‌رود. آثار ادبی منظوم و منثور پارسی، زبان فارسی، علوم و فنون و تاریخ ادبیات از ارزشمندترین ذخایر و غنایم فرهنگی ما هستند

بنابراین، آموزش زبان فارسی به نسل جدید کار



آسانی نیست و به برنامه‌ریزی دقیق و زمان‌بندی درست نیاز دارد. زبان فارسی، زبان رسمی و ملی کشور است و کتاب‌های درسی به این زبان نوشته و آموزش داده می‌شوند؛ از این رو کتاب‌های درسی باید نماینده جغرافیای فرهنگی کشورمان باشند. طراحان و نویسندگان در دفتر تألیف کتب درسی وزارت

در سال‌های گذشته، کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی به صورت جداگانه بودند و هر کتاب به‌طور مستقل ساعات تدریس مختص به خود را داشت و در هر کدام مباحث خاصی طرح و بررسی می‌شد اما در کتاب‌های جدیدالتألیف، درس‌های ادبیات و زبان فارسی در یک کتاب ادغام شده‌اند و دو ساعت در هفته به تدریس آن‌ها اختصاص یافته که واقعاً سخت و دشوار است. به علاوه، اغلب حق مطلب به‌طور کامل ادا نمی‌شود و دانش‌آموزان دیگر مزه لذت ادبی را نمی‌چشند. مطالب همان مطالب دو کتاب است اما در یک کتاب. دبیر هم که نمی‌تواند مطالب را فشرده بگوید، باید برای درک و فهم همه دانش‌آموزان مطالب را باز کند، تفسیر کند و ... در سال‌های گذشته، کتاب مستقلی به نام ادبیات فارسی وجود داشت که باعث التذاذ ادبی و تغییر رفتار می‌شد. کتاب مستقل دیگری به نام زبان فارسی هم بود که در آن مباحث دستوری از ابتدا تا انتها بررسی می‌شد.

دبیر نیز در قالب درس‌های جداگانه به بررسی نکات دستوری و نگارشی می‌پرداخت و تکلیف‌ها با خودش و کتاب معلوم بود. در کتاب‌های جدیدالتألیف هنوز هیچ درسی داده نشده و یا به بهانه اینکه در سال‌های گذشته گفته شده است، در تمرین‌ها سؤالاتی آورده‌اند. دبیر با دانش‌آموز خالی‌الذهن چه کند؟ اگر بخواهد درباره مطلبی از ابتدا سخن بگوید و تدریس کند، دو جلسه وقت می‌خواهد و اگر فقط به جواب تمرین اکتفا کند، دانش‌آموز راهی جز حفظ کردن ندارد. کتاب فارسی پایه دوازدهم، تلفیقی است از کتاب‌های دبیرستان و پیش‌دانشگاهی سال‌های گذشته.

درس‌های برگرفته از کتاب‌های ادبیات فارسی دبیرستان و پیش‌دانشگاهی این کتاب عبارت‌اند از: درس اول: شکر نعمت، درس دوم: مست و هوشیار، بخشی از درس سوم آزادی، درس پنجم: دماوندیه، درس ششم: نی‌نامه، درس هشتم: از پاریز تا پاریس، درس نهم: کویر، درس دوازدهم: گذر سیاهوش از آتش، که البته چند سالی

نیز از کتاب نظام قدیم حذف شده بود، درس سیزدهم: خوان هشتم، درس چهاردهم: سی مرغ و سیمرغ، درس شانزدهم: کتاب غاز و بعضی از روان‌خوانی‌ها و گنج‌های حکمت.

در این کتاب بعد از ستایش (شعر زیبای ملکا ذکر تو گویم، اثر سنایی غزنوی)، درس اول با دیباچه زیبا و دشوار گلستان سعدی آغاز می‌شود؛ متنی ادبی، وزین و دشوار که برای دانش‌جویان رشته ادبیات نیز سخت و دشوار می‌نماید. بهتر نبود به جای دیباچه

کتاب فارسی پایه دوازدهم، تلفیقی است از کتاب‌های دبیرستان و پیش‌دانشگاهی سال‌های گذشته

آموزش و پرورش، این کتاب‌ها را برای همه پهنه فرهنگی کشور می‌نویسند و این امر مهم را مدنظر دارند که اقوام مختلف ایرانی زیر یک پرچم گرد آمده‌اند و در این کتاب‌ها باید به همه سلیقه‌ها پاسخ داده شود.

نگارندگان این مقاله بیشتر جنبه‌های علمی و ادبی این کتاب را واکاوی کرده‌اند و اینکه چه اشکالات و ایرادهایی بر آن وارد است و برای بهتر شدنش چه باید کرد.



گلستان، یکی از حکایت‌های گلستان در حوزه ادبیات تعلیمی را در این قسمت می‌گنجاندند؟

در فصل سوم (ادبیات غنایی) دو درس گنجانده شده است که هر دو از حوزه ادبیات عرفانی انتخاب شده‌اند. نویسندگان و طراحان می‌توانستند از حوزه‌های دیگر ادبیات غنایی، بعد اجتماعی آن (حبسیه مسعود سعد و غزل حافظ و طنز عبید زاکانی و مرثیه بهار) و یا از داستان‌های مثنوی، نظامی گنجوی، کشف‌الاسرار، مرصادالعباد، اسرارالتوحید، ... مثنی را انتخاب کنند.

می‌توان گفت دیگر فصول کتاب (فصل ششم، فصل هفتم و فصل هشتم) خوب‌اند و طراحان و نویسندگان کتاب از نظر محتوا و انتخاب دروس برای آن فصل‌ها موفق عمل کرده‌اند.

از ادبیات انتظار می‌رود که به ما آرامش بدهد، ما را با هویت و پیشینه ادبی مان آشنا کند و موجب التذاذمان شود. نویسندگان و طراحان کتاب در پیشگفتار آن به این مهم اشاره کرده‌اند و یکی از اهداف خود را «توجه به نشاط و زنده‌دلی دانش‌آموزان، التذاذ ادبی از راه خواندن آثار ادبی، توجه به مهارت‌های صحیح‌خوانی و تقویت و تثبیت ارزش‌ها و باورهای ملی و دینی» (فارسی ۳، ۱۳۹۷: ۳) دانسته‌اند. حال باید پرسید: آیا کتاب درسی حاضر در این راستا موفق بوده است؟

نکته مهم دیگری که در باب کتاب درسی فارسی (۳) دوره متوسطه دوم می‌توان گفت این است که در این کتاب، جای خلاقیت و ابتکار و توجه به ادبیات عامه (فولکلور) خالی است.

پیشینه:

چه از نظر ساختار و چه محتوا نقدهای متفاوتی بر کتاب‌های درسی نوشته می‌شود و از آنجا که مخاطب اصلی این کتاب‌ها معلم‌اند، بی‌شک خود آن‌ها از بهترین منتقدانش نیز خواهند بود. کتاب‌های جدیدالتألیف همواره مورد بیشترین نقدها قرار می‌گیرند. کتاب ادبیات فارسی دوازدهم نیز از این قاعده مستثنی نیست و هر کس دستی بر آتش داشته، در نقد آن دست به قلم شده است. شماری از این نقدها در مجلات و روزنامه‌ها به چاپ رسیده‌اند یا نویسندگان آن‌ها دست‌نوشته‌های خود را به گروه‌ها و یا وزارت‌خانه متبوع فرستاده‌اند و در نشست‌ها و سمینارها به آن پرداخته‌اند (رشد آموزش زبان و ادب فارسی، دوره سی‌ودوم، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۷).

بعضی از مقالات چاپ شده عبارت‌اند از: مقاله ویژگی‌های محتوای درسی مطلوب تاریخ ادبیات در دوره دوم متوسطه، رشته ادبیات و علوم انسانی از حیدر قمری، مقاله آسیب‌شناسی درس تاریخ ادبیات از مریم سعدزاده، و نقد و بررسی کتب درسی ادبیات فارسی دوره متوسطه از راضیه‌سادات شیخ‌الاسلامی.

۳. بحث اصلی:

۳-۱. انتقادات وارد بر کتاب فارسی پایه

دوازدهم:

در این مقاله برخی از اشکالات کتاب فارسی پایه دوازدهم

(رشته‌های علوم تجربی و ریاضی فیزیک) را بررسی می‌کنیم. کتاب فارسی پایه دوازدهم در هشت فصل، هیجده درس، چهار شعرخوانی، چهار روان‌خوانی و هشت گنج حکمت، گردآوری و در قالب ۱۶۴ صفحه به دانش‌آموزان ارائه شده است.

سرفصل‌های این کتاب به شرح زیرند:

ستایش: لطف خدا

فصل یکم: ادبیات تعلیمی

فصل دوم: ادبیات پایداری

فصل سوم: ادبیات غنایی

فصل چهارم: ادبیات سفر و زندگی

فصل پنجم: ادبیات انقلاب اسلامی

فصل ششم: ادبیات حماسی

فصل هفتم: ادبیات داستانی

فصل هشتم: ادبیات جهان

نیایش: الهی.

هر فصل از کتاب پیش رو دربردارنده چند درس است و هر درس نیز از بخش‌های مختلفی تشکیل شده‌است. دبیر باید در جریان درس، در معرفی بخش‌های مختلف توضیحاتی بدهد. عده‌ای دوست دارند از این توضیحات یادداشت‌برداری کنند و این، روند کار را کند می‌کند و زمان گیر است.

طراحان و نویسندگان کتاب در پیشگفتار تأکید می‌کنند که دبیر باید مباحث هر درس را به تفکیک قلمروهای سه‌گانه تحلیل متن (زبانی، ادبی و فکری) معرفی و بررسی کند. حال، آیا دبیر می‌تواند برای هر درس به آموزش نکات زبانی، ادبی و فکری متون کتاب درسی، تحلیل مفاهیم ابیات و عبارات مهم در هر درس، بررسی واژگان مهم هر درس از نظر معنایی و املائی، ارائه نکات آموزشی زبان فارسی و آرایه‌های ادبی، طراحی پرسش‌های متنوع در قلمروهای زبانی، ادبی و فکری به‌صورت درس به درس و ارائه پاسخ‌های کاملاً تشریحی بپردازد و تاریخ ادبیات و مفاهیم را نیز از متن درس‌ها استخراج و بررسی کند؟ علاوه بر همه این‌ها دبیران باید آموخته‌های دانش‌آموزان را نیز بسنجند و انتظارات ۳۳ نفر دانش‌آموز کلاس و خانواده‌هایشان را برآورده سازند.

به نظر شما، آیا این کارها بر روی هر درس در یک کلاس ۳۳ نفره، با دانش‌آموزانی که از نظر بهره‌هوشی و سطح اجتماعی و درآمدی متفاوت‌اند، در یک مدرسه کم‌پرخوردار قابل اجرا هستند؟

متأسفانه، در مدارس کشور ما و همچنین در تألیف و تدوین کتاب درسی به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و تفاوت‌های منطقه‌ای و جغرافیایی توجه چندانی نشده است. به نظر نگارندگان این مقاله، رویکرد آموزشی موردنظر طراحان و نویسندگان محترم کتاب که در پیشگفتار بدان اشاره کرده‌اند، محقق نمی‌شود. آن‌ها فضایی ایده‌آل و مدرسه‌ای ایده‌آل را در نظر داشته‌اند یا اصلاً کلاس نرفته‌اند و با مدرسه و کلاس بیگانه‌اند. کتاب فارسی بدون توجه به علایق دانش‌آموزان طراحی شده است و از این رو دانش‌آموزان، مطالب درسی را بدون در نظر گرفتن علاقه و استعدادشان فرا می‌گیرند. آن‌ها از نظر سطح یادگیری و همچنین آموزش در سال‌های قبل

با هم متفاوت‌اند و چه بسا با چند معلم با توانایی‌های متفاوت کار کرده‌اند. بسیاری از این دانش‌آموزان به سبب بی‌توجهی در سال‌های گذشته و یا آموزش نادرست یا ناقص، درک درستی از زبان فارسی ندارند. از این رو کتاب‌های درسی و آموزشی ما باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان را از سردرگمی و ابهام خارج سازد. چه بهتر بود که با اتخاذ روش‌ها و برنامه‌هایی، دانش‌آموزان می‌توانستند با توجه به علاقه و رشته خود دروسی را انتخاب کنند و در آن زمینه به مطالعه و پژوهش بپردازند.

در پیشگفتار کتاب پایه دوازدهم (فارسی ۳، ۱۳۹۷: ۷)، کتاب در هشت فصل معرفی شده است اما این سؤال به ذهن می‌آید که آیا نویسندگان و طراحان کتاب درسی جایگاهی برای معرفی ادبیات معاصر و بزرگان این عرصه در نظر گرفته‌اند یا اصلاً ادبیات معاصر را به رسمیت می‌شناسند و یا با این موضوع سلیقه‌ای برخورد کرده‌اند و آن را به‌عنوان یک گونه ادبی نادیده گرفته‌اند و فقط نمونه‌هایی از آن را در لابه‌لای هر فصل درسی گنجانده‌اند؛ در فصل اول شعر «مست و هشیار» پروین اعتصامی را آورده‌اند و در فصل دوم شعر «دماوندیه» بهار را گنجانده‌اند.

در فصل ششم «خوان هشتم» اخوان ثالث و در فصل هفتم «کباب‌غاز» جمال‌زاده را آورده‌اند.

جا داشت در فصل هفتم که عنوان «ادبیات داستانی» را بر خود دارد، پیشینه‌ای از داستان‌نویسی در ایران می‌آمد و به نام بزرگان این عرصه اشاره می‌شد، اما دریغ از یک صفحه.

۲-۳. بررسی اشکالات کتاب به تفکیک

۱-۲-۳. آرایه‌های ادبی

یکی از مشکلات آموزش زبان فارسی در دبیرستان‌ها (رشته‌های تجربی و ریاضی) این است که در کتاب درسی آن‌ها مبحث مستقلی به نام آرایه‌های ادبی وجود ندارد اما در تمرین‌های کتاب سؤالاتی از آرایه‌های ادبی گنجانده شده است؛ سؤالاتی از مباحث بحث‌برانگیز، استعاره، تناقض و ... که لازمه فراگیری آن‌ها، تمرین، بررسی و تکرار می‌باشد که به دلیل کمبود وقت عملاً در کلاس غیر ممکن است، بتوان نمونه‌های زیادی را بررسی کرد. کتاب در دو یا چند سطر، توضیحی کوتاه و اجمالی در مورد آرایه‌های آورده و سپس سؤالاتی را طرح کرده است. گاهی نیز این سؤالات به صورت پراکنده و جدا از هم در لابه‌لای تمرین‌های برخی از درس‌ها مطرح شده‌اند. به این ترتیب، معلم می‌ماند و پرسش‌ها و انتظارات دانش‌آموزان.

برای مثال، در کتاب درسی مبحث استعاره مطرح شده است. دانش‌آموزان از دبیر می‌پرسند و دبیر نمی‌تواند سؤال آن‌ها را

بی‌جواب بگذارد. در چنین مواقعی، دبیر مجبور است در شناساندن این آرایه کمی از شیوه‌های گردآوردندگان کتاب درسی فاصله بگیرد. در کتاب درسی اسامی انواع استعاره نیامده است و دبیر مجبور می‌شود برای آموزش استعاره، تشبیه، تشخیص و مجاز را تدریس کند و آموزش این مباحث یکی، دو جلسه وقت کلاس و دبیر را می‌گیرد.

اگر تدریس نکنند، دانش‌آموز فقط جواب‌ها را حفظ خواهد کرد؛ بدون اینکه دلایل، راه‌حل‌ها و روش‌های تشخیص را بداند. متأسفانه در کتاب درسی مدرسه فقط در تمرین‌ها از این مباحث سؤالاتی مطرح شده است.

اگر دبیران زحمت‌کش تدریس نکنند، با اعتراض دانش‌آموزان و اولیا مواجه می‌شوند و اگر تدریس کنند، از برنامه درسی و مدرسه باز می‌مانند. در کل، فشار روی دبیر است، و او همیشه باید نگران زمان کم کلاس، یادگیری دانش‌آموزان، نمره آن‌ها و امتحان نهایی و کنکورشان باشد و شما بهتر می‌دانید که با دو ساعت تدریس در هفته، آموزش این مطالب بسیار دشوار و حتی غیرممکن است.

به نظر نگارندگان این مقاله بهتر بود طراحان و نویسندگان، فصلی از کتاب درسی را به آرایه‌های ادبی اختصاص می‌دادند و به‌طور مستقل به آموزش آن می‌پرداختند. در این صورت، تکلیف دانش‌آموز و دبیر معلوم بود.

۲-۲-۳. تاریخ ادبیات

مسئله دیگری که از نقاط ضعف کتاب فارسی (۳) به شمار می‌آید و مورد انتقاد است حذف برخی چهره‌های ادبی و علمی، بنا به هر دلیلی، از کتاب‌های درسی است.

انتظار می‌رفت که طراحان و نویسندگان محترم کتاب درسی، برای آشنایی دانش‌آموزان این سرزمین با مفاخر ادبی‌شان حداقل در مقدمه‌ای به نام و آثار بزرگان این عرصه اشاره‌ای می‌کردند. نکته دیگری که در کتاب‌های چاپ جدید به عمد یا به سهو، مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار گرفته، توضیحات پایان دروس یا پایان کتاب درباره نویسندگان و شاعران است. در کتاب‌های قدیمی تر، توضیح کوتاهی در معرفی نویسندگان و درباره آثار و سبک و تخصص او مطلبی گفته می‌شد. کتاب‌های چاپ جدید از این مزیت عاری‌اند. متأسفانه در کتاب‌های چاپ جدید، فقط به نام کتاب و نام نویسنده بسنده شده است و از همه بدتر، اعلام پایان کتاب را نیز حذف کرده‌اند.

به نظر می‌رسد جا دادن تاریخ ادبیات در کتاب‌های فارسی، برای آشنایی دانش‌آموزان با تاریخ و ادبیات کشور امری لازم و ضروری باشد. در کتاب‌های ادبیات پیشین، این مبحث کمی گسترده بود اما در کتاب‌های جدیدالتألیف، کاملاً حذف شده است. این همه

جا داشت در فصل هفتم که عنوان «ادبیات داستانی» را بر خود دارد، پیشینه‌ای از داستان‌نویسی در ایران می‌آمد و به نام بزرگان این عرصه اشاره می‌شد، اما دریغ از یک صفحه

افراط و تفریط چرا؟ یا از این طرف پشت‌بام می‌افتیم یا از آن طرف. ای کاش آثار گران‌سنگ زبان و ادبیات فارسی و شاعران و نویسندگان آن‌ها را به‌گونه‌ای معرفی می‌کردند که دانش‌آموزان آن‌ها را بشناسند. متأسفانه این حذف چنان گسترده است که حتی دانش‌آموزان رشته انسانی در کتاب علوم و فنون خود نیز چیزی نخواهند آموخت.

۳-۲-۳. دستور زبان فارسی:

در سال‌های گذشته، دستور زبان فارسی در کتابی مستقل می‌آمد و تدریس آن زمان مشخصی داشت و امتحان آن برای سال سوم‌ها، نهایی و کشوری بود و در کنکور سراسری نیز سهمی را به خود اختصاص داده بود اما در کتاب‌های جدید، مباحث دستوری در دل کتاب ادبیات فارسی گنجانده شده و لابه‌لای تمرین‌های پایانی هر درس به‌صورت خلاصه (در حد چند سطر) آمده است. دبیران نیز ناگزیر از تدریس آن مباحث به‌صورت کلی هستند؛ به‌طوری که تمام دو ساعت هفته صرف تدریس مبحث دستوری مطرح شده می‌شود و دیگر وقتی برای روخوانی و قلمرو ادبی، تحلیل محتوایی و ... باقی نمی‌ماند.

حذف این کتاب مستقل از برنامه درسی، لطامت جبران‌ناپذیری به آموزش دانش‌آموزان زده است؛ چرا که این مطالب از برنامه آموزشی و درسی دانش‌آموزان حذف شده اما در لابه‌لای کتاب فارسی بسیار مختصر آمده است یا در تمرین‌هایی به آن‌ها اشاره شده و قرار است همان سهم را در سؤالات کنکور داشته باشد؛ زبان از این بیشتر؟ زحمت دبیران را چند برابر کرده‌اند و زمان آموزش را نصف!

خیلی از مطالب دستوری را بدون توضیح یا با اشاره‌ای مختصر آورده‌اند؛ در نتیجه، برای تدریس آن‌ها زمان زیادی لازم است که در بودجه‌بندی جایی ندارد. دبیران گرامی برای درک و فهم دانش‌آموزان در کلاس ناگزیرند مطالب دستوری را به‌طور کامل و از پایه تدریس کنند. همچنین، برای کمک به یادگیری بهتر این مطلب می‌بایست آن‌ها را باز کنند، گسترش دهند، تمرین‌های مکمل مطرح کنند تا دانش‌آموزان مطالب را فراگیرند و قادر به پاسخ دادن به تمرین‌های کتاب باشند. از این‌رو، دبیران همیشه با کمبود زمان مواجه‌اند.

تصور کنید ... دبیران محترم در یک ساعت و ۴۵ دقیقه‌ای که در هفته به کلاس می‌روند، باید در یک کلاس سی یا سی و سه نفری، سکوت برقرار کنند، حضور و غیاب کنند، از روی درس بخوانند، تمرین‌ها را حل کنند، نکات نگارشی و ویرایشی را تذکر دهند، معنی ابیات و لغات را بگویند، مفاهیم را استخراج کنند، آرایه‌ها

را مشخص و تدریس کنند، و مباحث دستوری را آموزش دهند تا دانش‌آموزان بتوانند به تمرین‌های درس‌ها پاسخ بدهند. انصاف بدهید که انجام دادن همه این کارها در کلاس غیرممکن است؛ به چند دلیل:

۱. سطح علمی دانش‌آموزان یکسان نیست؛
۲. سطح علمی و توانایی‌های معلمان یکسان نیست؛
۳. توانایی‌های دانش‌آموزان در قلمروهای مختلف با یکدیگر یکسان نیست؛

۴. توانایی‌ها و تخصص دبیران و معلمان در قلمروهای مختلف شدت و ضعف دارد؛

۵. فضا و زمان کلاس اجازه چنین کاری را نمی‌دهد که شما در قلمرو زبانی به سطح واژگانی شامل لغت‌ها، روابط معنایی (ترادف، تضاد، تضمین) و املا و درست‌نویسی و واژگان متشابه بپردازید یا در قلمرو ادبی شیوه نویسنده را در به‌کارگیری سطح آوایی یا موسیقایی (صنایع بدیعی) سطح بیانی (علم بیان) و سطح بدیع معنوی بررسی کنید و یا در قلمرو فکری به ویژگی‌های فکری، اعتقادات، روحیات، ایجاد گروه‌های دانش‌آموزی و ... بپردازید.

کتاب جدید، دبیران محترم زبان و ادبیات فارسی را در تنگنای تنظیم زمان تدریس برای انتقال مفاهیم قرار می‌دهد. آموختن دستور زبان فارسی از پایه و به‌صورت اصولی (یک بار برای همیشه) امری ضروری است و متأسفانه به این صورت (پراکنده و غیراصولی) راه به هیچ‌دهی نمی‌برد. حذف این کتاب و پراکندن مطالب آن در تمرین‌ها نه تنها هیچ کمکی به آموزش آن نمی‌کند بلکه موجب پریشانی ذهن و فکر دانش‌آموزان می‌شود. در کتاب تمرین‌های مربوط به شناخت ارکان جمله و جمله چهار جزئی با متمم آمده اما کتاب هیچ تعریفی برای هیچ نقشی از ارکان جمله نیاروده است. دبیر برای تفهیم این نقش‌های دستوری، ناچار به تدریس اجزا و ارکان جمله است. زمانی که دانش‌آموز فعل جمله را نمی‌شناسد، دبیر ناگزیر از تدریس آن است؛ چرا که دیگر نقش‌ها با فعل اثبات می‌شوند و معنی پیدا می‌کنند. اگر تدریس نکنند، بدتر. دانش‌آموز همان یکی، دو مثال کتاب را حفظ می‌کند. حال اگر سؤالی در زمان دیگری بیاید، دانش‌آموز هیچ نمی‌داند؛ دستش کوتاه است و خرما بر نخیل.

دانش‌آموز تا تعریف‌ها را نداند، زمان‌ها را نشناسد، نمی‌تواند نقش‌ها را تشخیص دهد و جایگاهشان را مشخص کند و ... اگر استدلال این است که در سال‌های گذشته گفته شده است، بدانید که بیشتر دانش‌آموزان از سال‌های گذشته چیزی به یاد ندارند.

دبیران گرامی با توجه به سطح توانایی ذهنی و علمی دانش‌آموزان کلاس، مطالب و مباحث مختلف مطرح شده در کتاب درسی را تدریس می‌کنند. آموزش بسیاری از این مطالب به پیشینه ذهنی و آموزش مقدماتی نیاز دارد و گاه فضای کلاس اجازه نمی‌دهد که معلم به درس‌های سال‌های گذشته برگردد و آن‌ها را مرور کند. در تمرین‌های کتاب فعل مجهول مطرح شده است. شما بهتر از بنده می‌دانید که دانش‌آموز وقتی می‌تواند فعل مجهول را بشناسد که فعل معلوم و تمام زمان‌های آن را شناخته باشد. دانش‌آموز زمانی



می‌تواند فعل معلوم را به مجهول تبدیل کند که افعال معلوم (ماضی، مضارع، آینده) را به خوبی بشناسد و تشخیص دهد.

درست است که در سال‌های پیش دانش‌آموزان با این افعال آشنا شده‌اند اما به تمرین و تکرار نیاز دارند. این زمان‌ها و افعال با تمرین و تکرار ملکه ذهن می‌شوند و آنگاه ذهن آماده پذیرش افعال مجهول خواهد بود.

متأسفانه فاصله تعطیلات تابستانی فرصت زیادی است برای فراموش کردن مطالب درسی. بیشتر دانش‌آموزان در طول تعطیلات تابستان، حتی نیم‌نگاهی به کتاب درسی نمی‌اندازند.

در مناطق کم‌درآمد کشور، بسیاری از دانش‌آموزان تابستان‌ها به کسب درآمد مشغول می‌شوند و یا به کمک پدران و مادرانشان می‌روند و هیچ مطالعه‌ای ندارند و طبعاً، اول مهرماه با ذهنی پاک و عاری از هر مطلب درسی در کلاس درس حاضر می‌شوند. اگر معلم باشید و سابقه حضور در کلاس را داشته باشید، بر این گفتار صحنه می‌گذارید که بعد از تابستان بسیاری از دانش‌آموزان تمام راه‌حل‌های ریاضی، فیزیک و افعال زبان فارسی و ... را به بوته فراموشی سپرده‌اند. ۹۰ روز، ۱۰۰ روز، وقت بسیار خوبی است برای آموزش و یادگیری؛ از طرفی نیز زمانی کافی است برای فراموشی. دانش‌آموز خوب از این فرصت استفاده می‌کند و برخی نیز فرصت‌سوزی می‌کنند.

نکته قابل توجه دیگر این است که بعضی مطالب در دستور با نام جدید بیان شده‌اند. این نام‌گذاری‌های تازه اهمیت چندانی ندارند اما موجب تداخل در یادگیری دانش‌آموزان می‌شوند. با وجود توضیح کامل دبیران، دانش‌آموزان دچار مشکل می‌شوند. برای مثال، جهش ضمیر یا رقص ضمیر که به گفته خود مؤلفان توضیحی کوتاه برایش کافی است، در واقع مطلب مفصلی است و پیدا کردن نقش آن برای دانش‌آموزان جای بحث دارد.

۲-۲-۴. شعرهای حفظی:

برخی از شعرهایی که برای حفظ کردن انتخاب شده‌اند، کنش و جذابیت لازم را برای دانش‌آموزان ندارند. بهتر بود شعرهایی از شاعران معروف و با ضرب و آهنگ‌های دلنشین‌تر انتخاب می‌شد.

بعضی اوقات، رونویسی یا کپی‌برداری در کار دانش‌آموزان دیده می‌شود. از همه مهم‌تر، زمان کم کلاس انشا یعنی یک ساعت در هفته است که در برنامه دانش‌آموزان پایه دوازدهم هیچ جایگاهی ندارد. از سوی دیگر، انشا جزء دروس اختیاری قرار

گرفته است.

نکته اصلی که نباید فراموش شود این است که دانش‌آموزان پایه دوازدهم علاوه بر درس خواندن و امتحانات پایان ترم، دغدغه کنکور و آزمون را نیز دارند و توقع دارند که معلم در کنار این حجم مطالب درسی و کار کتاب، به پرسش‌های قرابت معنایی نیز که بخش اعظم سؤالات کنکور را تشکیل می‌دهند، بپردازد.

نتیجه‌گیری:

کتاب‌های درسی مخاطبان خاص خود را دارند و طراحان و نویسندگان این نوع کتاب‌ها می‌باید محتوای نوشته‌هایشان را متناسب با مخاطب خود تنظیم کنند. از همه مهم‌تر، نویسندگان این نوع کتاب‌ها بهتر است از مدرسان و معلمان همان دوره‌ای باشند که کتاب برای آن نوشته می‌شوند.

از آنجا که شیوه آموزش ادبیات فارسی با علوم دیگر متفاوت است، باید زمان بیشتری به آن اختصاص داده شود. در کلاس ادبیات است که می‌شود خلاقیت‌ها را کشف کرد. پس، بایسته است که با حجم زیاد مطالب درسی، این خلاقیت‌ها را نابود نکنیم و کلاس ادبیات را به فرصتی برای بروز آن‌ها تبدیل کنیم.

حجم مطالب کتاب زیاد است و ساعات تدریس در کلاس محدود و کم. تعداد دانش‌آموزان کلاس زیاد است و دانش‌آموزان در سطح قابل قبول علمی، ادبی قرار ندارند. معلمان نیز آموزش‌های لازم را ندیده‌اند و با توجه به کتاب‌های جدید و سطح توقعات طراحان و نویسندگان کتاب به‌روز نشده‌اند و همچنان به همان شیوه‌های سنتی تدریس می‌کنند.

منبع

۱. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. (۱۳۹۷). فارسی (۳) پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه. اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.